

نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان
دوره دوم شماره شانزدهم و هفدهم، بهار و تابستان ۷۸، ص ۱۰۱-۱۰۸

اهمیت و کاربرد ردیف در سبک خراسانی

دکتر عطا محمد رادمنش *

چکیده

ردیف به عنوان یکی از عوامل مهم موسیقایی و هنر شعر از دیر بار مورد توجه گویندگان و سرایندگان بامدار زبان فارسی بوده، استخدام و به کارگیری آن با اهمیت تلقی می‌شده است؛ سخنوران چیره دست، از این راه، قدرت طبع خود را نشان می‌داده‌اند. علت توجه ایرانیان به ردیف، به ساختمان طبیعی زبان برمی‌گردد که از دو بُعد موسیقایی و زیباشناختی قابل بررسی است.

دلنشین‌ترین اشعار و بویژه موسیقایی‌ترین غزلیات و با شکوه‌ترین قصاید فارسی آنهاست که مَرَدَف هستند. تحقیق در اشعار افزون بر چهل دیوان و آثار منظوم مستقل نشان می‌دهد که هر جا شاعر به موسیقی شعر بیشتر توجه داشته، اقبال وی به سرودن شعر ردیفدار

افزونتر بوده است. تأمل در آمار و ارقام حاصل شده، مؤید این است که بیشترین درصد به کارگیری ردیف در ترجیع‌بند و ترکیب‌بند و غزل بوده است و کمترین آنها در قصیده و مثنوی.

گمان می‌رود که فصاید از آن روی کم ردیف هستند که استخدام آن در حدی که پیوند هنری و موسیقایی و معنوی آن با بافت شعر کاملاً حفظ شود، از هر شاعری بر نمی‌آید و در مثنوی نیز به خاطر آن که تکرار و موسیقی‌زایی صرفاً افقی است، تأثیر چندانی نخواهد گذاشت، زیرا در غزل و انواع دیگر شعر از جمله ترجیع‌بند و ترکیب‌بند و حتی در رباعی و دو بیتی، تکرارها هم افقی است و هم عمودی، و این تلاقی افقی با عمودی گوش جان خوانندگان و شنوندگان را می‌نوازد.

واژه‌های کلیدی

ردیف، قافیه، روی، آفرینشهای هنری، موسیقی شعر، واج آرایی، مراعات نظیر، تضاد، مجاز، تأکید، خلخالِ افکار، بُعد موسیقایی، بُعد زیباشناختی، آشنایی زدایی، لغو، متمکن، تکرار افقی، تکرار عمودی.

«ردیف را باید یکی از نعمتهای بزرگ شعر فارسی دانست، در صورتی که بلای جان معانی و احساسات شاعر نباشد؛ زیرا از جهات موسیقی و معانی و کمک به تداعیهای شاعر و از نظر ترکیبات و مجازهای بدیع به شعر زیبایی و اهمیت می‌بخشد». [شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰، صص ۱۳۸-۱۴۲ (با تلخیص)] و مایه بیداری افکار و اندیشه‌ها می‌شود.

در بیت:

ترادل دادم‌ای دلبرشبت خوش بادم رفتم تودانی بادل غمخورشبت خوش بادم رفتم ↓

[سنایی، ۱۳۶۲، ش، غزل ۲۱۶]

در ردیف «شبت خوش بادم رفتم» علاوه بر تکرار و تناسب آن با بافت شعر،

آفرینشهای هنری و موسیقایی را اعم از واج آرایی (تکرار مصوٰتها و صامتها) مراعات نظیر، تضاد، مجاز و ... را می‌توان با چشم حس دید و با گوش ذوق شنید.

ردیف، خصوصیت کمالی شعر را داراست و از سویی دیگر جنبه تأکید دارد و هر چه تکرار کلمات بیشتر باشد، سخن مؤکدتر می‌گردد؛ چنانکه در ابیات زیر:

زهی چابک! زهی شیرین! بنامیزد بنامیزد! زهی خسرو! زهی شیرین! بنامیزد بنامیزد! ↓

یا [سنایی، ۱۳۶۲، ص ۸۵۴، غزل ۱۰۴]

چرا آزرده حالی؟ ای دل ای دل! مدام اندر خیالی ای دل ای دل! ↓

[باباطاهر، ۱۳۴۷، ش، ص ۳۲، دوبیتی ۶۱]

«ردیف، بهترین میزان برای هنرنمایی شاعران و امتحان قدرت طبع ایشان است».

[شمس‌العلماء گرگانی، ۱۳۲۸، ق، ص ۳۶۴]

مؤلف غصن‌البان دریاب ردیف گوید: «شاعران ایرانی ردیف را دارند که یک یا چند کلمه است که بعد از روی تکرار می‌شود و سبب زیبایی شعر است و به گونه خلخال است برای افکار؛ (به جنبه موسیقی ردیف که مثل خلخال صدا ایجاد می‌کند، نظر دارد.) و از رهگذر ردیف است که وزن شعر فارسی به انواع و اقسامی که حد و حصری ندارد می‌رسد». [شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۰، (به نقل از غصن‌البان)]

«علت توجه ایرانیان به ردیف و عدم توجه اعراب بدان، از جهات مختلف به

ساختمان طبیعی زبان برمی‌گردد که از دو جهت قابل بررسی است:

۱- از نظر موسیقایی: در زبان عربی، حرکت آخر قافیه را می‌توان با اشباع تا حد دلخواه کشش داد و موسیقی قافیه را به کمال رساند؛ مثلاً جمال را جمالا خواند و جمال را جمالو و جمال را جمالی؛ اما در زبان فارسی اندکی توقف، روی حرکت قبل از روی، آن اندازه نیست که موسیقی قافیه را اشباع کند، به همین دلیل، از ردیف استفاده می‌شود تا با به کارگیری آن موسیقی شعر تکمیل شود.

۲- از نظر زبانشناختی: ردیفهای ساده و ابتدایی موجود در زبان فارسی مانند «است»

و ترکیبات فعلی آن - که در زبان فارسی چندان کم کاربرد هم نیست - در زبان عربی وجود ندارد. نکته قابل یادآوری این که افعال ربطی بجز «است» - که در آغاز قرار نمی‌گیرد - در زبان فارسی مثل دیگر افعال می‌توانند در هر کجا قرار گیرند و این خصوصیت در اغلب زبانها وجود ندارد و همین است که باعث توسعه ردیف در زبان فارسی شده...» [شنبی کدکنی، ۱۳۷۰، صص ۱۳۵-۱۳۸ (با تلخیص و اندکی تصرف)]

ردیف وسیله تقویت موسیقی شعر شاعران سخنور برای مخاطبان خاص خود است. به یقین تکرار ردیف نمی‌تواند همگان را به شوق آورد، زیرا در زبان از آن استفاده نمی‌شود و با ذهن گروه بسیاری بیگانه است؛ بنابراین ردیف جنبه «آشنایی‌زدایی» دارد. [شنبی کدکنی، ۱۳۷۰، صص ۳۰-۳۸؛ براهنی، ۱۳۶۴، ش، ص ۱۴۱؛ نفیسی، ۱۳۶۸، ش، صص ۳۴-۳۷]

بدیهی است که دلنشین‌ترین اشعار و بویژه موسیقایی‌ترین غزلیات و باشکوه‌ترین قصاید فارسی آنهاست که دارای ردیف است.

تحقیق در اشعار مورد بررسی در سبک خراسانی با توجه به ترتیب افزونی به کارگیری ردیف نتایج زیر را به دست می‌دهد. این آمار و ارقام نتیجه تحقیق و غور در بیش از ۴۰ دیوان و اثر منظوم مستقل و بررسی ۱۲۶۱۷۸ بیت می‌باشد که منتج به استخراج و نگارش ۲۴۰۷۶ بیت ردیفدار شده:

اول، از میان ۴۲ ترجیع‌بند - که مشتمل بر ۳۷۴ بند و واسطه‌العقد است - ۲۷۲ شعر مردّف است که نسبت بندهای ردیفدار به کلّ بندها رقم ۷۲/۷۲ درصد را نشان می‌دهد. دوم، از ۴۴ ترکیب‌بند (۶۱۲ بند و واسطه‌العقد)، ۴۰۷ شعر ردیفدار است که از مقایسه بندهای مردّف به کلّ بندها عدد ۶۶/۵ درصد حاصل می‌شود.

سوم، از میان ۱۵۰۰ غزل، تعداد ۹۳۸ غزل مردّف است که ۶۲/۵۳ درصد آنها ردیفدار می‌باشد. ۴۲ شعر «نام ماهها، هفته‌ها و روزهای ماه» از مسعود سعدسلیمان به این دلیل که قالب آنها با غزل کوتاه تناسب داشت، جزء غزلها به حساب آمده؛ نیز تغزلهای عسجدی و ادیب صابر و ملمّعات عبدالواسع جبلی و ۱۰ «شعر» (غزل) از

عیوقی - که در میان مثنوی ورقه و گلشاه و با همان وزن آمده - در شمار غزلها منظور شده. چهارم، از بین ۳۶۵ دوبیتی باباطاهر، ۲۲۱ شعر دارای ردیف است که ۶۰/۵۴ درصد دوبیتی‌های وی مردّف است.

پنجم، از ۴۰۲۹ رباعی، تعداد ۲۰۹۵ عدد آنها مردّف است که از مقایسه ردیفدار و کلّ رباعیها، عدد ۵۲ درصد به دست می‌آید.

ششم، از میان ۲۳۱۲ قطعه تعداد ۶۶۷ قطعه ردیفدار است که درصد ردیفدار به کلّ قطعات رقم ۲۸/۸۴ درصد حاصل می‌شود. [نیز محجوب، (بی‌تا)، ص ۶۸۶]

هفتم، از ۳۵ مسمّط - که مشتمل بر ۵۷۴ بند است - ۱۵۶ بند ردیف دارد که سنجش بندهای ردیفدار به کل بندها عدد ۲۷/۱۷ درصد را تشکیل می‌دهد.

هشتم، از میان ۳۶۲۸ قصیده، ۸۰۸ عدد آنها مردّف است، یعنی ۲۲/۲۷ درصد کلّ قصاید ردیفدار است.

نهم، از ۱۱۰۱۵۱ بیت مثنوی، تعداد ۱۸۲۱۹ بیت دارای ردیف است که درصد ردیفدار به کلّ ابیات ۱۶/۵۴ درصد می‌باشد، ۸۳۴ بیت پراکنده و مفرد، جزء مثنوی به حساب آمده است.

دهم، و سرانجام از ۱۴ بیت مستزاد مسعود سعدسلیمان، دو بیت آن مردّف است که درصد ردیفدار به کلّ، رقم ۱۴/۲۸ درصد را نشان می‌دهد.

با اندکی تأمل در آمار و درصدهای مذکور، سهولت می‌توان دریافت که شاعر هر جا که بیشتر به موسیقی شعر نظر داشته، علاقه وی به سرودن شعر مردّف زیادتر بوده است. با استناد به ارقام مذکور درمی‌یابیم که بیشترین میل شعرا در استخدام ردیف - پس از ترجیع‌بند و ترکیب‌بند - در غزل و کمترین آنها در قصیده و مثنوی بوده. مستزاد از آن رو به عنوان کم‌ردیف‌ترین نوع شعر به حساب نیامده که فقط یک مستزاد ۱۴ بیتی در این دوره از مسعود سعد باقی است که این تنها مورد نمی‌تواند شاخصی برای مقایسه باشد.

گمان می‌رود که قصاید از آن روکم ردیف هستند که التزام ردیف در حدی که کار به درازگویی خسته کننده نینجامد و در عین حال پیوند هنری و موسیقایی ردیف با بافت یک قصیده کاملاً حفظ شود و در جای خود «متمکن» و از «لغو» عاری و شعر از جهت معنی بدان نیازمند باشد، کار چندان آسانی نبوده و از هر شاعری بر نمی‌آمده.

اما کم توجهی مثنوی سرایان به ردیف، بظاهر از آن جهت است که تأکید و موسیقی زایی ردیف در مثنوی صرفاً افقی است و بناچار اثرگذاری آن، بدان اندازه نیست که در سایر انواع شعر؛ زیرا در غزل، قصیده، ترجیع‌بند و... و حتی رباعی و دوبیتی، تکرارها هم به صورت افقی است و هم عمودی، و این تلاقی افقی با عمودی، موسیقی و طینتی به وجود می‌آورد که ذوق شنوندگان را بیدار و خاطر سخن‌سنان را شادمان می‌کند؛ بنابراین تمایل استادان سخن در به کاربردن ردیف در مثنوی از سایر قالبها کمتر است.

جدول مقایسه شعرهای ردیفدار به کل اشعار به ترتیب درصد کاربرد

ترتیب	قالب شعر	تعداد کل اشعار	تعداد	درصد	ترتیب	قالب شعر	تعداد کل	درصد
۱	ترجیع‌بند (۴۲ شعر)	۳۷۴	۲۷۲	۷۲/۷۲	۶	قطعه	۲۸/۸۴	۶۶۷
۲	ترکیب‌بند (۴۴ شعر)	۶۱۲	۴۰۷	۶۶/۵	۷	مسمط (۳۵ شعر)	۲۷/۱۷	۱۵۶
۳	غزل	۱۵۰۰	۹۳۸	۶۲/۵۳	۸	قصیده	۲۲/۲۷	۸۰۸
۴	دوبیتی	۳۶۵	۲۲۱	۶۰/۵۴	۹	مثنوی	۱۶/۵۴	۱۸۲۱۹
۵	رباعی	۴۰۲۹	۲۰۹۵	۵۲	۱۰	مستزاد	۱۴/۲۸	۲

آمار و جدول مربوط، منحصر به دیوانها و آثار منظوم مستقل است، بنابراین انواع شعر شاعران بی‌دیوان به

پی‌نوشتها:

۱- آثار مورد بررسی عبارتند از: دیوان رودکی، دیوان دقیقی، اشعار کسایی، دانشنامه حکیم میسری، دیوان باباطاهر، شاهنامه فردوسی، ورقه و گلشاه عیوقی، دیوان اسجودی، دیوان فرخی، دیوان عنصری، دیوان منوچهری، سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، گرشاسب نامه اسدی، دیوان قطران تبریزی، برزنامه عطایی رازی، دیوان ازرقی، دیوان ناصر خسرو، روشنایی نامه و سعادتنامه منصوب به ناصر خسرو، اشعار خواجه عبدالله انصاری، دیوان ابوالفرج رومی، دیوان لامعی، دیوان مسعود سعد، رباعیات خیام، بهمن نامه ایرانشاه بن ابی‌الخیر، دیوان امیر معزی، دیوان عمق، دیوان عثمان مختاری، دیوان ادیب صابر، داستان کک کوهزاد، دیوان سنایی، حدیقه الحقیقه و مثنویهای سنایی، دیوان سوزنی، دیوان عبدالواسع، دیوان سید حسن غزنوی، دیوان رشید وطواط، دیوان اسیرالدین اخسیکتی، دیوان انوری، دیوان ظهیر قاریابی.

منابع و مأخذ:

- ۱- ادیب صابر ترمذی (بی‌تا): دیوان، تصحیح محمدعلی ناصح، انتشارات علمی (چاپ افست)، چ اول، تهران، بی‌نا.
- ۲- باباطاهر همدانی (۱۳۴۷ ش): دیوان تصحیح وحید دستگردی، انتشارات ابن سینا، تهران.
- ۳- براهنی، رضا (۱۳۶۴ ه. ش): کیمیا و خاک، نشر مرغ آمین، چ اول، تهران.
- ۴- سنایی غزنوی: ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۶۵ ش): حدیقه الحقیقه، تصحیح مدرّس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰ ه. ش): موسیقی شعر، انتشارات آگاه، چ سوم،

تهران.

۶- شمس العلماء گرکانی، محمدحسین (۱۳۲۸ ه.ق): ابداع البدایع، وزارت علوم و معارف (چاپ سنگی)، تهران.

۷- عبدالواسع جبلی (۱۳۵۶ ه.ش): دیوان، به اهتمام و تصحیح ذبیح‌الله صفا، انتشارات امیرکبیر، چ دوم، تهران.

۸- عسجدی مروزی، حکیم ابونظر عبدالعزیز (۱۳۴۸ ه.ش): دیوان، تصحیح طاهری شهاب، انتشارات ابن‌سینا، چ دوم، تهران.

۹- عیوقی (۱۳۶۲ ش): ورقه و گلشاه، تصحیح ذبیح‌الله صفا، انتشارات فردوسی، چ دوم، تهران.

۱۰- محجوب، محمد جعفر (بی‌تا): سبک خراسانی در شعر فارسی، انتشارات فردوسی و جامی، تهران.

۱۱- مسعود سعد سلمان، ابوالفخر (۱۳۶۴ ه.ش): دیوان، تصحیح مهدی نوریان، انتشارات کمال، چ اول، اصفهان.

۱۲- نفیسی، آذر (۱۳۶۸ ش): «آشنایی زدایی در ادبیات»، کیهان فرهنگی (ماهنامه)، سال ششم، شماره ۲.

و سایر دیوانها و آثار منظوم مستقر در سبک خراسانی تا قرن ششم هجری قمری می‌باشد